

قرآن ایجاد الهی و ابلاغ محمدی ﷺ

«نظری بر کتاب الوحی والنبوه علامه آیت الله جوادی آملی که با ترجمه‌ای به نام وحی و نبوت منتشر شده است»

محمد جوادی رودگر*

«حقیقت وحی» جلوه اصلی و باطنی رسالت و قرارگاه محوری دین و شریعت است که مظاهر متعددی دارد و در بهترین جلوه‌اش، یعنی قرآن، تنزل یافته و همراه نیز با تعدی جاهلان و مغرضان روبه‌رو شده است و تا عده‌ای آن را از اساس «نفی»، و عده‌ای دیگر در چگونگی آن شک کنند. عده‌ای نیز، پس از قبول و پذیرش آن، در صدد تحریف آن برآمده و گروهی نیز در عصر جدید به بشری بودن آن حکم داده و براساس احکام بشری درباره آن اظهارنظر کرده‌اند تا خطا و خطیئه، اختلاف و تخلف را در آن روا دارند. اگرچه چنین الگوی فکری و دکترین معرفتی از یک جهت پیشینه تاریخی دارد، از جهت دیگر پس از «رنسانس» تولد یافته است تا «وحی» و پدیده غیبی و آسمانی را زمینی و غیر مقدس نمایند، با سلب قدسیت از چنین پدیده‌ای، آن را عرفی کنند؛ به عبارت دیگر هدف همه این تلاش‌ها این است که وحی را تاریخمند نمایند و تجربه‌ای عرفانی، دینی و باطنی جلوه دهد تا

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۲۰ تاریخ تأیید: ۸۸/۸/۶

به تدریج به گزاره «وحی تابع شخصیت نبی و مخلوق محمد ﷺ است» برسند. آنها برای رسیدن به این هدف از تاریخ، عرفان، روان‌شناسی عرفانی، تجربه دینی و حتی آیات و احادیث استفاده ابزاری می‌کنند تا قرائت خویش را بر حقیقت «وحی» تحمیل نمایند.

در ادامه به بخش‌هایی از اندیشه‌های عمیق و بینش برهانی، عقلانی و نوآمد علامه جوادی آملی، که ضمن بحث‌های اثباتی - ایجابی در تبیین و تحلیل حقیقت وحی به بحث‌هایی سلبی و انتقادی اندیشه‌های الحادی، التقاطی و از جمله تاریخی‌گرایانه درباره «وحی» نیز اهتمام ورزیده و در کتاب‌هایی همچون تفسیر موضوعی قرآن مجید، ادب فنای مقربان، پیرامون وحی و رهبری و الوحی و النبوه آمده بیان شده است تا ضمن تبیین مبانی نبوت و رسالت و جایگاه نبی یا رسول «حقیقت وحی» بررسی و تحلیل شود و هر دو ساحت اثباتی و سلبی توأمان در اثبات و تبیین اینکه قرآن کریم از آغاز تا انجام الهی و یا ایجاد الهی و ابلاغی محمدی ﷺ است مطرح گردد. کتاب یادشده دارای ۳۶ جلد صله* و حلقه‌های مرتبط یا مراحل است و استاد علامه «در نهایت مراحل» نیز به چینش، نظم و ارتباط مراحل نبوت و رسالت پیامبر ﷺ، قرآن و تلقی آن از سوی رسول‌الله ﷺ و شناخت محکم و متشابه و ارجاع متشابهات به محک‌های اشاره‌ای کرده است.

مراحل سی‌وششگانه کتاب الوحی و النبوه به صورت ذیل است:

۱. درباره اصل نبوت؛ ۲. درباره نبوت انسان؛ ۳. درباره ضرورت نبوت؛ ۴. درباره علت ضرورت نبوت از ناحیه خداوند برای مردم؛ ۵. همگانی و همیشگی بودن نبوت؛ ۶. بعثت و اعزام پیامبران، سنتی الهی؛ ۷. یکسانی سنت الهی به همه نقاط

* استاد فرموده است: در کتاب‌های عرفانی، چون رویکرد مباحث، سلوکی و به صورت سیر الی الله است، برای پیوند مباحث نسبت به یکدیگر از کلمه «فصل» استفاده نمی‌کنند، بلکه بیشتر از کلمه «وصل» استفاده می‌شود و چون این کتاب نیز با رویکرد قرآنی و عرفانی تنظیم شده است. از واژه «صله» که از «وصل» گرفته شده بهره برده شده است. در ترجمه نیز مناسب دیده شد کلمه «مرحله» به کار برده شود؛ زیرا رحلت و سیر پیوندی نزدیک به هم دارند. (واعظ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۴، پاورقی)

عالم؛ ۸. عدم فراگیری برخی از علوم بدون نبوت؛ ۹. مقصد نهایی هدف بعثت و هدف نهایی رسالت؛ ۱۰. هدف بعثت برای آفریدگان نه آفریدگار؛ ۱۱. محدود بودن نبوت به حق؛ ۱۲. حق تنها از ساحت الهی است؛ ۱۳. جاودانگی نبوت و تباهی سلطنت؛ ۱۴. همتایی نبوت و آفرینش؛ ۱۵. نسبت نبوت و معرفت نفس؛ ۱۶. حق بودن کتاب نبوت؛ ۱۷. میراث نبوت خیر بی پایانی است که بی نیاز از او ممکن نیست؛ ۱۸. تشویق نبوت به تحقیق و بر حذر داشتن از تقلید؛ ۱۹. نبوت برطرف کننده هوی و هوس؛ ۲۰. نبوت خاتم پیامبران؛ ۲۱. حق بودن همه حقایق قرآنی؛ ۲۲. وحی و اقسام آن؛ ۲۳. عصمت پیامبر ارجمند اسلام، تأییدی برای معصوم بودن پیامبر اسلام ﷺ؛ ۲۴. قرآن، ایجاد الهی و ابلاغی محمدی ﷺ است؛ ۲۵. آیا رسول الله ﷺ پیرو نزول قرآن است یا قرآن پیرو او؟؛ ۲۶. کیفیت مظهریت رسول الله ﷺ نسبت به دریافت و ابلاغ وحی؛ ۲۷. پیروی نیروهای پیامبر ﷺ نسبت به عقل قدسی او؛ ۲۸. راز وصف بهشت و جهنم به آنچه اعراب می فهمند؛ ۲۹. خضوع عقل و نقل در پیشگاه وحی؛ ۳۰. دانش پیامبر اکرم ﷺ و صیانت ره آورد وحی؛ ۳۱. اندکی از آنچه در قرآن درباره اخبار آسمان آمده است؛ ۳۲. اندکی از آنچه در قرآن کریم درباره شیطان یاد شده؛ ۳۳. نمی از یم وجود رسول الله اعظم ﷺ؛ ۳۴. ابطال پنداشت جاهلان؛ ۳۵. اعجاز قرآن و نزول آن؛ ۳۶. نسبت مطلق به مقید.

چنان که پیداست در مراحل یکم تا بیست و یکم درباره مبانی نبوت و رسالت، ضرورت نبوت، اهداف و جاودانگی آن و نبوت عامه و خاصه مباحث بسیار متین، عقلانی و حکیمانه‌ای که به تعبیری برون دینی و درون دینی است طرح شده و در مراحل بیست و دوم تا سی و ششم درباره «وحی»، انواع آن، اینکه قرآن ایجاد الهی و ابلاغ محمدی ﷺ است، تحلیل اینکه وحی تابع شخصیت نبی است یا بالعکس، ابعاد و ساحت‌های وجودی پیامبر اعظم ﷺ و اعجاز قرآن مباحثی آمده که عمدتاً بر نقد اندیشه‌هایی درباره وحی و تجربه دینی، تجربه‌های عرفانی و بسط‌پذیری تجربه نبوی متمرکز است تا اثبات گردد که قرآن کریم «الهی الحدوث و الهی البقا» است و لفظ و معنای آن از خداست و سهم پیامبر ﷺ در تولید و تکوین قرآن

«نادرست» و الاهیت وحی به معنای ایجاد و آفرینش آن است و نه چیز دیگر و بشریت آن هم به معنای پذیرش است و نه چیز دیگر. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۰۳) در ادامه نکاتی کلان و کلیدی از مرحله بیست و دوم تا سی و ششم کتاب یادشده آمده؛ البته ضمن بحث‌ها، از کتاب‌های دیگر استاد علامه نیز استفاده شده است.

حقیقت وحی و انواع آن

گرچه وحی نمونه‌های فراوان و گوناگونی دارد، همه آنها در این امر مشترک‌اند که یک «امر مخفی و پنهانی» القا می‌گردد و در نگاه ابتدایی به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱. حق، راستی، نیکی و زیبایی که با خداوند سبحان پیوند دارد؛ ۲. دروغ، بدی و زشتی که با شیطان ارتباط دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۳۴) استاد در تبیین حقیقت وحی و واژه‌شناختی آن نوشته است:

واژه‌شناسان معتقدند که وحی، اصل و قاعده‌ای برای رساندن علم و غیر آن است و ویژگی‌های وحی عبارت‌اند از: پنهان، سریع و مرموز بودن. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳، ۵۳)

ایشان معتقدند:

وحی مفهومی برگرفته از «هستی» است؛ از این رو ماهیت ندارد و نمی‌توان آن را از طریق جنس و فصل و حدّ و رسم تعریف کرد؛ پس وحی منزّه است از اینکه تحت مقولات معروف ماهوی قرار گیرد و مفهوم وحی — مانند معنای هستی — دارای مصداقی است که آن مصداق، مراتب گوناگون و متفاوتی دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳، ۵۳)

ایشان پس از بحث‌های فلسفی، با توجه به کاربردهای وحی در قرآن، نکاتی را مطرح کرده است که عبارت‌اند از:

۱. هرچند معنای جامع وحی، یکی است و به طور مشترک معنوی مطرح است (نه مشترک لفظی)، لیکن تفاوت عمیق و فاصله عریق بین مصادیق آن به قدری است که زمینه احتمال اشتراک لفظی را فراهم می‌کند. ... وحدت مفهوم دلیل اشتراک معنوی و تفاوت عمیق مصادیق، سند اشتراک لفظی است و معنای وحی،

واحد و مشکک است.

۲. وحی انبیاء ویژگی خود را دارد که هرگز نباید با سایر مصادیق — حتی با تجربه دینی عارفان برجسته — اشتباه شود.

۳. وحی تشریحی انبیا از وحی تکوینی آنها ممتاز است.

۴. عنوان وحی — نظیر عنوان علم — می‌تواند حقیقت واحد باشد و اسناد آن به مبدأ فاعلی و مبدأ قابلی باعث پیدایش عناوین متعددی شود. (جوادی آملی،

۱۳۸۱: ۳، ۵۶ و ۵۷)

علامه جوادی آملی انواع وحی در قرآن کریم را چنین مطرح کرده است (قرآن کلمه وحی را با لحاظ معنای لغوی آن در موارد مختلفی به کار برده است):

۱. آنچه بر انبیا نازل می‌شود (عنکبوت (۲۹): ۴۵):

۲. القای امر فطری و غریزی (غسل ۶۸):

۳. نَفحات رحمانی (قصص (۲۸): ۷):

۴. نَفثات شیطانی (انعام (۶): ۱۲۱):

۵. اشارت رمزی و کنایی (مریم (۱۹): ۱۱). (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۱، ۱۴۴ و ۱۴۵) در جایی دیگر استاد علامه جریان ایحا، استیحا و وحی را، که تعدد عنوان دارند، به جنبه وحدت برگردانده و هفت معنا را برای وحی در کاربرد قرآنی آن آورده است؛ مثل: القائنات شیطانی (انعام (۶): ۱۱۲ و ۱۲۱)، وحی به آسمان و زمین (فصلت (۴۱): ۱۱ و ۱۲)، (زلزال (۹۹): ۱ - ۵)، وحی به زبور عسل (نمل (۲۷): ۶۸ و ۶۹)، وحی یا الهام به عمل (مؤمنون (۲۳): ۲۷، مائده (۵): ۱۱، شعراء (۲۶): ۵۲، اعراف (۷): ۱۶۰، قصص (۲۸): ۷، یوسف (۱۲): ۱۵، انبیاء (۱۲): ۵۳)، وحی به پیامبران (شوری (۴۲): ۳ و ۵۱ - ۵۲)، رویاهای راست (صافات (۳۷): ۱۰۵ - ۱۰۶، یوسف (۱۲): ۴، ۶ و ۱۰۰، فتح (۴۸): ۲۷)، وحی به فرشتگان (انفال (۸): ۱۲، تحریم (۶۶): ۶ و ... (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳، ۵۷ - ۷۵) ایشان در جایی دیگر نوشته است:

وحی به معنای اشاره سریع است که بر القای مخفی علم و مانند آن دلالت می‌کند، لیکن کاربرد آن در آنچه که بر انبیاء علیهم السلام القا می‌شود غلبه دارد. (جوادی

آملی، ۱۳۸۵: ۴، ۱۴۰)

استاد جوادی آملی در تقسیم دیگر وحی نوشته است:

وحی تقسیم می‌شود به علمی و عملی؛ زیرا فرستنده وحی گاهی علم و دانش را به طور نهانی ارائه و القا می‌کند و گاهی عزم و انجام عملی را به صورت یادشده بر دل می‌اندازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۳۵)

ایشان پس از بحث از انواع یادشده نوشته است:

وحی علمی و ارائه مخفیانه حقایق شهودی که قرآن از این نوع وحی‌هاست مقصد اصلی و برتر این نوشتار است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

ایشان در ادامه نوشته است:

آنچه در باب وحی مهم و مبنایی است که قوام وجودی قرآن نیز به آن وابسته است همانا تنزیل وحی عملی و معرفتی و به عبارتی ارسال حقیقی شهودی و عینی است که پیامبر آن را با دل و جان و با گوش و چشم مشاهده می‌کند که آیاتی مثل یوسف (۱۲): ۳، فاطر (۳۵): ۳۱، انعام (۶): ۱۹، کهف (۱۸): ۲۷، زخرف (۴۳): ۴۳ بر آن دلالت می‌کنند.

وحی، که همان الهام قرآنی است، عبارت است از القای علوم و معارف نهانی از توحید، معاد، نبوت، اسمای حسنا و صفات علیا و اخبار انبیا و امت‌های پیشین بر جان پیامبر... و آیاتی چون هود (۱۱): ۴۹، قصص (۲۸): ۴۴ - ۴۶، آل عمران (۳): ۴۴ و... بر آن شاهد هستند.

و در ادامه آورده است:

استناد معارف و حیانی و حقایق نهایی به ذات ازلی ذاتاً و بالاصاله است و اما استناد آن به مقام شامخ رسالت حضرت مصطفوی ﷺ - شخصیت حقوقی - به مراتب شایسته‌تر و ثابت‌تر، کامل‌تر، تمام‌تر و شریف‌تر از استناد آن به شخص - بشری - رسول‌الله ﷺ است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۴۲ - ۱۴۵)

استاد، در مرحله بیست‌وسوم، عصمت پیامبر اکرم ﷺ را در مراحل سه‌گانه دریافت، نگهداری و ابلاغ وحی مطرح کرده و هدف اصلی این مرحله را بیان این نکته دانسته که القاکننده وحی خداوند سبحان است:

«انا سنلقى عليك قولاً ثقیلاً» (مزمّل (۷۳): ۵).

اخذ کننده وحی را نیز رسول اکرم ﷺ دانسته که خود از مُخْلِصان است و آیاتی چون: اعلیٰ (۸۷): ۶ و ۷، طه (۳۰): ۱۲۶، سجده (۳۲): ۱۴، نجم (۵۳): ۳ و ۴، نمل (۲۷): ۴۴، یس (۳۶): ۴، زخرف (۴۳): ۴۳، هود (۱۱): ۵۶ را شاهد بر مدعای خویش نموده و شبهات مربوط را پاسخ داده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۵۲)

فاعل و ایجادکننده وحی خداوند و پذیرنده آن پیامبر ﷺ

استاد جوادی آملی در مرحله بیست و چهارم ایجاد الهی و ابلاغ محمدی ﷺ بودن قرآن کریم را اثبات و تبیین کرده و با رویکردی فلسفی - عرفانی درباره انواع فیض الهی، قرب نوافل و فرایض و فنای پیامبر اکرم ﷺ در مظاهر الهی و وجه ربوبی بحث نموده و براساس آیات «انَّمَا اتَّبِعَ مَا يُوْحِي إِلَيَّ مِنْ رَبِّي» (اعراف (۷): ۲۰۷) «و ان اتَّبِعَ إِلَّا مَا يُوْحِي إِلَيَّ» (احقاف (۴۶): ۹) نوشته است:

انحصاری که از این آیات به دست می‌آید دلالت بر اینکه این قرآن به هیچ مبدئی جز خداوند متعال استناد ندارد و برای پیامبر ﷺ که در قوس نزول صادر نخستین و در قوس صعود همه مرحله ذنو و نزدیکی را تا قاب قوسین یا بالاترین پیش رفته و آخرین مراحل و تمامی نردبان صعود را پیموده که برتر از آن مقطعی - برای مخلوق - وجود ندارد هیچ شأنی و نقشی جز تبعیت و پیروی نیست.

(رک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵۶-۱۶۱)

مراحل ذیل نیز در این مرحله بحث شده است:

۱. فاعل و مبدأ وحی ذات خداوند است.
 ۲. قابل وحی جان رسول الله ﷺ است.
 ۳. خود وحی نیز منزله از ورود و خروج مادی است.
- سپس آورده است:

اولاً خود وحی خارج از حدّ و سعه وجودی حضرت مصطفوی است؛ ثانیاً خداوند متعال، که او نیز داخل در ظرفیت حضرت نبوی نبوده که جزء او محسوب شود، گرچه داخلی است که امتزاج با او وجود ندارد، حقیقت وحی را

به جان رسول نشانده است و ثالثاً، رسول برتر الهی نیز وحی را با تمام وجود خود در خود کشیده است و این همان مراد و مقصود از القای وحی از بیرون وجود حضرت مصطفوی است؛ زیرا رسول نیازمند به وحی است و ذات محتاج هم فاقد و نادار نسبت به چیزی است که به آن احتیاج دارد که آن را از خارج وجود و هویت خود مطالبه می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶۴)

استاد علامه در مرحله بیست و پنجم نیز رسول خدا ﷺ را پیرو نزول قرآن دانسته و نوشته است:

وحی معهود و معرفت مورد نظر مشرف و چیره بر رسول بوده از حوزه اختیار و اراده او برتر است. این سخن خداوند متعال مشعر به این امر است: «فَاَوْحِي الٰی عَبْدَهٗ مَا اَوْحٰی» (نجم (۵۳): ۱۰). وحی ای که آغاز و انجامش به اراده سبحانی وابسته است به گونه‌ای که اولاً آن را ایجاد کرده و ثانیاً به دل و جان رسول سپرده و به چشم و گوش او نشانده و ثالثاً با رصد کردن و در کمین‌گاه حضور داشتن از آغاز تا پایان مرحله ابلاغ از هر نوع شیطنیت و دستبردی آن را در امان داشته است. (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶۸-۱۷۱)

استاد در مرحله بیست و ششم نیز کیفیت مظهریت رسول خدا ﷺ نسبت به دریافت و ابلاغ وحی را با رویکردی فلسفی - عرفانی تحلیل و تبیین کرده و نوشته است:

انسان فانی هرگز چیزی را تولید و ایجاد نمی‌کند؛ همان‌گونه که چیزی را هم وضع نمی‌کند؛ زیرا اقتضای پیامبری که فانی در اسمای الهی است همان پیام‌آوری است نه ایجاد و ایحای امری و نه موضوعیت چیزی. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۸۶)

ایشان در مرحله بیست و هفتم نیز بحث مبسوطی درباره عقل قدسی پیامبر ﷺ، تبیین مبدأ و فاعلی و قابلی نبوت و شئون آن مطرح و قاعده «هر رخداد جدیدی لزوماً در گذشته با ماده و زمان همراه بود» را شرح داده و نوشته است:

حادث ذاتی، که دارای امکان ذاتی است، حتماً ماهیت آن قبلاً در ظرف خاصی خارج از ذهن و عین تقرر ماهوی داشته است و حادث ذاتی که برای او امکان فقری نه ذاتی ماهوی است مسبوق به هیچ چیزی نیست؛ زیرا ممکن به امکان فقری، همان هویت و وجود است نه ماهیت، و وجود نیز با کان تأمه ایجاد و

یافت می‌شود نه کان ناقصه که اسم و خبر می‌گیرد... و اما حادث زمانی که همراه امکان استعدادی است و البتّه در گذشته هم با ماده بوده و هم با زمان و برای آن جز استعداد و جهت پذیرش چیزی وجود نداشته و بحث اعطا و فعل مطرح نبوده است... .

و پیامبر ﷺ در اوج برترین پایه نبوت هیچ سهمی جز فنا و اندکاک در وجه خالق یکتای خویش نداشته و سخن به حکم اتحاد باقی و فانی قابل توجه نیست؛ بنابراین فاعل و موجد «وحی» خداوند و قابل و واجدش پیامبر ﷺ است که تنها سهم پذیرش دارد نه آفرینش در وحی. (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۹۳-۲۰۴)

استاد علامه در مراحل بیست و هشتم تا سی و دوم نیز درباره زبان و فرهنگ قرآن، خضوع عقل و نقل در پیشگاه وحی، دانش و علم پیامبر ﷺ و صیانت ره‌آورد وحی، اخبار آسمان در قرآن و عملکرد شیطان بحث کرده و در مرحله سی و سوم و سی و چهارم نیز ابعادی از شخصیت پیامبر اکرم ﷺ را تشریح نموده است تا نبوت خاصه نیز در کنار نبوت عامه مطرح شود.

آنگاه استاد علامه درباره اعجاز قرآن و نزول آن مباحث بسیار مهم ذیل را با توجه به شبهات عصری مطرح کرده است:

۱. نزول قرآن را به صورت تجلی نه تجافی طرح و تحلیل نموده است.

۲. اینکه مرحله عالی کتاب، که حقیقتی عینی و امری خارجی است، و مرتبه دانیه آنکه امری اعتباری و وضعی است؛ زیرا الفاظ امری است که از طریق اعتبار، وضع و نهادینه می‌شود و دلالت لفظ بر معنا نیز اعتباری و وضعی است نه طبیعی را چنین مطرح فرمودند:

سهم نفس نبوی ﷺ معصوم جز شنیدن وحی، پذیرش حقیقت آن، فراگیری و علم آن و حفظ و پاسداشت و تلقی به جان در کشیدن آن نیست بی‌آنکه دخلی و یا تصرفی داشته باشد. ... رسول الله ﷺ نسبت به خداوند سبحان، تنها شنونده‌ای محض و قابل‌ی صرف است و نه چیز دیگر.

آنگاه بحث را با رویکردی عرفانی و با استناد به کلام ابن عربی در فصّ شیئی پیش برده و تحلیل کرده است و پس از بحث درباره اینکه «وحی الهی به زنبور

عسل به معنای تعویض و واگذاری امر تولید به او نیست»، بلکه خداوند متعال در مقام سوم، یعنی پس از مقام ذات و اسمای ذاتیه و در مرحله فعل و فیض دائم به ما سوی الهی، همه جهات وجودی زنبور را متکفل شده است، (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۸۵ و ۲۸۶) نسبت مطلق به مقید را در مرحله سی‌وششم مطرح کرده و در پایان نوشته است:

رسول الله ﷺ تحت ولایت الهی است و قرآن با همه شئون (لفظ و معنا و تألیف آن دو با هم) به انشای الهی است اولاً و با تعلیم پروردگار کشف می‌شود ثانیاً، و سپس برای رسول الله، که معلم ماسواست، مکوف شهود مس شود ثالثاً؛ زیرا تعلیم و کشف مقدم بر تعلم و انکشاف است؛ هرچند این تقدم و تأخر زمانی نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۹۵)

در نتیجه پیامبر اکرم ﷺ خاتم پیامبران و قرآن کریم کلام الهی و رسول الله ﷺ تنها تلقی‌کننده آن است و متشابهات قرآنی در مرحله نازل، که به صورت زبان عربی آمده، با محکومات آن، که مرحله علی حکیم است، باید تأویل گردند؛ بنابراین محکم و متشابه‌شناسی و شناخت چگونگی ارجاع متشابه به محکم لازم است. (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۹۶ و ۲۹۷)

استاد علامه جوادی آملی در سراسر کتاب یادشده، ضمن بحث از نبوت و رسالت و مبانی آن، حقیقت و اقسام وحی و ویژگی‌های آن، ویژگی‌های گیرنده وحی و رابطه فاعل و قابل و نسبت حقیقی وحی به خداوند سبحان و مظهریت و قابلیت خاتم پیامبر ﷺ را تبیین کرده و به‌طور ضمنی و غیر مستقیم دیدگاه‌های عصری که وحی را تجربه‌ای دینی و عرفانی و بسط‌پذیر می‌دانند و به تاریخیت اعتقاد دارند نقد نموده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. جوادی آملی، ۱۳۸۸، وحی و نبوت، تحقیق و تنظیم مرتضی واعظ جوادی آملی، ج ۱، قم: مرکز نشر اسراء.

۳. _____، ۱۳۸۱، وحی و نبوت در قرآن، ج ۳ (تفسیر موضوعی قرآن مجید)، قم: مرکز نشر اسراء.
۴. _____، ۱۳۸۲، ادب فنای مقربان، ج ۱، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. _____، ۱۳۸۵، ادب فنای مقربان، ج ۴، قم: مرکز نشر اسراء.